

روزنوشت سی‌وسومین جشنواره تئاتر فجر(۳) **رنالیسم بی‌کشش خسته‌کننده**



شهرام خرازی‌ها: کارگردان‌های قدیمی تئاتر عمدتا به فضاهای شهری رز آورده و به رنالیسم گرایش داشته‌اند. رنالیسم بی‌کشش و خسته‌کننده این نمایش‌ها تماشاگران را بشدت متعجب و سزوزه‌ای کرده است. تقریبا اکثر آنها منتق‌القولند که نمایش‌های دهه‌های ۶۰ یا ۷۰ این کارگردان‌ها بسیار حرفه‌ای‌تر و جذاب‌تر از نمایش‌های جدید آنهاست. تعدادی از این آثار اصلا ایرانی نیستند و واقعا حرفی نمی‌کند که بستر قصه ایران باشد یا یک کشور دیگر؟! نمایشنامه‌های نرال ایرانی امسال آکنده هستند از دیالوگ‌های بسیار خشک و رسمی و به دور از محاورت روزمره مردم. گرایش بی‌متنی مایلیسم و حذف یا کم‌رنگ کردن قصه این دسته از نمایشنامه‌ها و نمایش‌ها را به سوی رادیویی شدن سوق داده و از جذابیت انداخته است. خوشبختانه اروپه‌جهای شهرستان چه قدیمی‌ها و چه نسل جدید از این موج رنالیسم تصنعی بی‌هدف خود را مضمون نگه داشته و امسال واقعا از حیث محتوا و طراحی صحنه از بجه‌های تهران جلوتر بودند. شهرستانی‌ها تئاتر را با رادیو اشتباه نگرفتند.

- به گفتشات نگاه کن**

مخاطب نمایش «به گفتشات نگاه کن» (حمیدرضا حاجی‌ملاحسینی) کودکان و نوجوانان هستند متن نمایش به قلم منوچهر آکبرلو سرشار از ایده‌های خلاقانه است.داستان‌های کوتاه و موقعیت‌های مختلف این نمایش با کفشی به هم پیوند می‌خورند. مخاطب با انواع و اقسام کفش آشنا می‌شود و بر بستر این آشنایی نمایش بدون هیچ دیالوگ یا منولوجی پیش می‌رود. ملاحسینی در پیاده کردن تکنیک‌های مختلف نمایشی بالاخص سایه‌بازی و پانتومیم موفق است. بازیگران ارتباط خوبی سا مخاطب برقرار می‌کنند. بازی فیزیکل مجید نصیری بسیار حرفه‌ای و شایسته تحسین است. تصویری درک عمیقی از نقش داشته و ایست‌ها و مکث‌های حساب‌شده‌ای دارد. ورود نمایشنامه‌نویس به حیطه جنگ و کودکانی که قربانی آتش‌افروزی بزرگسالان می‌شوند تاثیر نمایش را دوچندان کرده است. «به گفتشات نگاه کن» نمایش سالم و قابل دفاعی در حیطه روانشناسی کودک نیز محسوب می‌شود. پیام‌های اخلاقی و تربیتی نمایش بدون توسل به شعارپراکنی و اغراق به‌خوبی به کودکان و نوجوانان انتقال می‌یابد. «به گفتشات نگاه کن» یک سرر و گردن بالاتر از بقیه نمایش‌های تهرانی فجر سی‌وسه بود.

- اولیور تویست**

بیش از یک قرن از شهرت جهانی و فراگیر «اولیور تویست» چارلز دیکنز می‌گذرد و این رمان همچنان به‌عنوان یک منبع اقتباس مورد استفاده فیلم‌نامه‌نویس‌ها و نمایشنامه‌نویس‌ها قرار می‌گیرد. اصغر خلیلی با نمایش «ولیور تویست» تلاش کرده تا اجرای مدرنی از رمان معروف دیکنز ارائه دهد. ترتیب رخدادها تقریبا به همان گونه‌ای است که در کتاب آمده و بخشی از وقایع پایانی هم حذف شده است. خلیلی آگاهانه رمان را خلاصه و فشرده کرده و از میدان دادن به ماجراه‌های جانبی و فرعی پرهیز آشکار داشته است؛ این رویکرد به سریع شدن ریتم نمایش انجامیده است. نقش‌ها به تبعیت از رمان در قالب «تیپ» پرورانه شده و گسترش یافته‌اند، نه در قالب «شخصیت»؛ این آدم‌ها بیشتر به جهان نمایش تعلق دارند تا به ادبیات و رمان دیکنز. بخش عمده‌ای از بلورپذیری تیپ‌ها مدیون بازی کم‌نص بازیگران و چهره‌پردازی بسیار حرفه‌ای نمایش است. خسرو شهرزاد که در سال‌های اخیر بسیار پرکار شده و نقش‌های به چشم آمدنی و خاصی را می‌پذیرد، این بار در نقش فاگین خوش درخشیده است. او صدای انعطاف‌پذیر و بیان بسیار خوبی دارد و انقدر بر میمیک مسلط است که می‌تواند زیر گرم سنگین هم احساسات و عواطف مختلف را در چهره‌اش بازتاب دهد. جواد مولایان در هر دو نقش پرزشک و جک بازی روان و قابل باوری دارد. او در نقش پرزشک که ۴۰-۲۰ سال از سن واقعی‌اش بزرگ‌تر است، یک بازی کوتاه‌مدت به‌یادماندنی ارائه می‌دهد و ثابت می‌کند که گاه یک بازی خوب و از پیش طراحی شده می‌تواند به ارتقای قابل توجه نقش بینجامد. برای پی بردن به مهارت مولایان فقط نگاه کنید. این مدت تک‌نیمه به تفاوت فیزیکل و دینامیک نقش‌هایی که برعهده‌اش گذاشته شده‌او در نقش پرزشک باید یک پیرمرد که‌تحرک با قامت خمیده را به نمایش بگذارد و در نقش جک یک درد جوان زیر و زبنگ و فرز و چایک را. بازیگران «ولیور تویست» بخش مهمی از موفقیت خود را مدیون هنر چهره‌پرداز هستند. طراح گرم نمایش درک درستی از تیپ‌ها داشته است، این درک درست در چهره‌پردازی فاگین، تابوت‌ساز، پرزشک و خانم‌هان کاملا نمود دارد. گرم و پوشش دقیق و پر از جزئیات تابوت‌ساز و پرزشک به‌رغم حضور کوتاه‌مدت‌شان در نقش‌هایی از اهمیت است که عوامل نمایش بالاخص تیپ‌کننده برای تماشاگران قائل بوده‌اند در حالی که در تئاتر ایران معمولا برای کاستن از هزینه‌ها به چهره‌پردازی و طراحی لباس نقش‌های کوتاه اهمیت چندانی داده نمی‌شود. برای پی بردن به اهمیت کار و هنر گرمور کافی است به این نکته دقت کنید که بسیاری از تماشاگران تا پایان نمایش متوجه نمی‌شوند که هر دو نقش پرزشک و جک توسط یک نفر بازی شده است.

ویژه جشنواره فجر

درباره فیلم «دریا و ماهی پرنده» از آثار جشنواره فیلم فجر

نقش خیال دریا در ذهن ماهی کوچک



این دارالتادیب که پسری است ناشنوا، روایت به سمت تابش رنگ بر چهره غریب دقایق می‌رود و این شانزده کوجولوی غم باره‌های کودکانه همچون شهریار داستان سنت‌اگزوپری به دنبال اختراکی است که سال‌ها پیش در سفری رویاگونه دیده بود و از این منظر، فیلمساز به دنبال قاب‌هایی ازرومندانان‌ه احسان در دل امواج آبی دریا است درمی‌آید که اگر بخواهم می‌نمی‌توانی حدایشان سازی. فیلم دوم مهرداد غفاززاده نیز چنین است و از جهان ذهنی مردی بیرون می‌زند که در گذشته‌های دور و دراز، آثاری داستانی را به خلق روایتی شیرین درآورده و نگاهش جای روزگار همچون خوانش داستانی شاعرانه می‌ماند. لازم به توضیح است که آغاز آشنایی با نگاه مهرداد غفاززاده در ذهن من از جلسات داستان خوانی شروع شد، او مشاهده عکسی در مسجد جوادالائمه(ع) که در همنشینی با دوستانی نقش بسته بود که بسیاری از آنها به عالمی معنا از شهادت متصل شده‌اند. در احوالاتی ارزنده که سال‌ها با بجه‌های مسجد داشته‌م، غفاززاده را به عنوان انسانی دغدغه‌مند ب انقلاب و در راهروی مدار انسانیت خواندم و حال در این روزگار به تماشای اثری چون «دریا و ماهی پرنده» رسیدم که مرا از جهان خشک و بی‌عشق امروزی به آن سبویی منظره‌های نیلگون از آسمانی رویایی می‌برد که فصل‌های زندگی با بوم رنگی جلوه یافته از تخیل به قاب خاطره متصل می‌شود البته از ابتدا این موضوع برای کارگردان ایثار گر جبهه‌های رشادت، خاطرناشن شد که زیر همان تعالیم اسنادی چون امیرحسین فردی، نگاهی زیلیست که همراه با نقدی صادقانه باشد. در تحلیل فیلم دوم مهرداد غفاززاده با سوبه‌ای دور از جهان روایی فیلم «گیرنده» مواجه می‌شویم تا همسفر با اثری فرم‌گرایانه و جهانی شاعرانه باشیم که تصاویر در آن همچون زبانی قصه‌گو عمل می‌کند. فیلم، سرشار از قاب‌های زیبایی است که در سیاهی سرنوشت نوجوانانی بزکار، جلوه‌ای زیاده‌گویی می‌یابد و فیلمساز با هم‌قرینگی جهان فیزیکی این کودکان رنج‌دیده و فضایی ارزومندانه از قاب‌هایی انتزاعی به ترکیب غمگسارانه‌ای از حقیقت در برابر عنصر غایب خیال دست می‌زند.فیلم دریا و ماهی پرنده، قصه‌ای است از روزگار در حال گذر نوجوانان بزکار در کانون اصلاح و تربیت که با ورود احسان، میهمان جدید

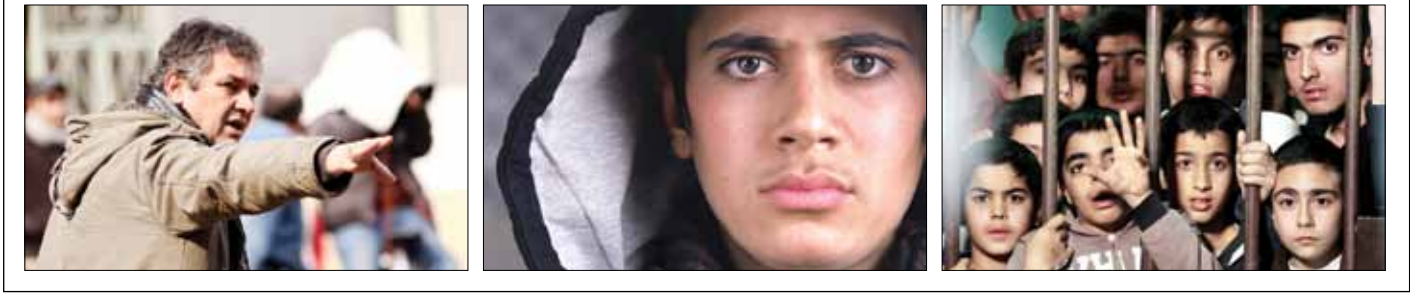
درباره فیلم «دریا و ماهی پرنده» از آثار جشنواره فیلم فجر

نقش خیال دریا در ذهن ماهی کوچک



همچنین تداوم نماها و کادربندی‌هایی زیبایی‌شناسانه در اثر و استفاده دلهره‌آمیز از صدا در تبیین هیاهوی روزگار کوجولوی غم باره‌های کودکانه همچون شهریار داستان هوشمندانه فرم با روایت در فیلم می‌توان به نمونه‌ای اثربخش اشاره داشت که در سکانسی که وارد دنیای ترسیم‌شده نقاشی می‌شویم، فضای صوتی به کلی غایب شده که به مانند پای نهان به سیاره‌ای دیگر از زیستن به شمار می‌رود. از طرفی نشانه‌های سینمایی ارزنده‌ای در راستای شخصیت‌شناسی کاراکتر و با نگاهی تصویری می‌توان برشمرد که از جمله ثبت نقاشی خرگوش، ماهی و بادکنک بر دیوارهای کانون است که همه اشاراتی به احوال رهایی‌بخش احسان از این تنگنای بی‌رنگ دارد و آنگاه که به تعداد کودکان دریند، خرگوش‌هایی به نقاشی درمی‌آید. می‌توان این نگره را به کل تعمیم داد. مهرداد غفاززاده از دنیای ساخته جویزه تورنا‌توره دارد که در آنجا کرده و اولین داستان انقلاب را با نام «پاسداری» به چاپ رسانده است. در این فیلم به سمت فضایی فرم‌گرایانه در روایت رفته و توجه خود را به ترسیم ساختاری شاعرانه در مواجهه با رخدای دهشتناک چون بزکارهای معطوف کرده است، چرا که شخصیت‌های نوجوان و داستانی شاعرانه‌نیزمانند مدادی است نقاشانه بسر دیوارهای حیات تا به دنبال ردپایی از بوی گل سرخ همچون شازده کوچولو بود، با این تفاوت که پسرک دلشنگ قصه غفاززاده، عشق خود را نه در روی زمین بلکه در بی‌کرتگی می‌سازد. سرتوجو می‌کند و دیوارها نیز نمی‌توانند مانع از عطر طعم دریا بر مشام مسافر رویا باشد. فیلم دریا و ماهی پرنده، ارجاعات بسیاری در پیرامون متن به جهان فیلم‌هایی دوست‌داشتنی دارد. آنگاه که می‌توان به ردپایی از چهارصد ضربه تروفو رسید و به تماشای پوسترهای نقش‌سته بر دیوارهای خیال‌انگیز سینما چشم دوخت و بعدی آن سبویی دست یابدم، موجودی است که توان برقراری ارتباط کلامی را ندارد و از این منظر فاصله‌ای دور از آرمیان گرفته‌است.فیلم در اراج به ذهنیت نقاش گونه احسان، به سمت موقعیت نمایی گرافیکی رفته و ترکیب رویاآفرینی انیمیشن با رنالیسم غمناک شخصیت‌ها در کانون اصلاح و تربیت، به‌خوبی در هم تلفیق می‌شود.

■ **عکس‌های برگزیده فیلم «دریا و ماهی پرنده»**



اعتراض شدید انجمن صنفی ویدئورسانه به سازمان سینمایی

خروج میلیون‌ها دلار ارز از کشور چه دلیلی دارد؟

بسیار قابل تامل است. اتحادیه شرکت‌های ویدئورسانه ایران در این زمینه مساله اصلی را بحران فراگیر به وجود آمده ناشی از بی‌تدبیری و سوءمدیریت بخش دولتی شبکه نمایش خانگی به همراه موضوع کیپ‌رایت و مساله فرعی را فیلم‌های میجر می‌داند و تاکنون در نشست‌های مکرر و مکاتبات بیشمار با مدیران ارشد و آقای جنتی وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی در تاریخ ششم اردیبهشت‌ماه ۹۳ با این مضمون که: «ایران درباره پیوستن به کیپ‌رایت به جمع‌بندی نرسیده است»، به انضمام نظرات صریح رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران در مصلحت ندانستن خرید آثار از کمپانی‌های غربی با توجه به برخی تحریم‌ها و رفتارهای خصمه‌ان‌ان با مواضع نظام جمهوری اسلامی در پاسخ به ۱۲ استفتای به‌عمل آمده در دهه ۷۰ و همچنین سال ۹۳، اعلام کرده است.
۲- در همین زمینه مدیرکل نمایش خانگی سازمان سینمایی تنها با استناد به آیین‌نامه‌ای مربوط به حدود ۲۱ سال قبل که در زمان وزارت آقای علی لاریجانی مصوب شده و خرید کیپ رایت را اجباری دانسته پشتد با ارائه مجوز برای آثار خارجی فاقد رایست مخالفت کرده و بر خرید رایت عناوین مختلف خارجی سینمایی اصرار و اجبار می‌کند. ذکر چند نکته نیز در اینجا لازم است: الف- چرا سازمان سینمایی در پی لغو یا به‌روزرسانی آیین‌نامه‌ای که پیش از دو دهه قبل و بنا به شرایط و مقتضیات همان

کشور به اجبار سازمان سینمایی در این شرایط به جیب دلان کشورهای حوزه خلیج‌فارس و برخی واسطه‌های معلوم‌الحال مهینویست سرزایر شده؟
۵- اساسا چرا این اصرار و اجبار در سایر معاونت‌ها و زیرمجموعه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وجود ندارد؟
براستی باید بپذیریم که زیرمجموعه‌های این وزارت‌خانه از قوانین یکسانی پیروی نکرده و خود راسا قانون تعیین می‌کنند؟ چرا در حوزه‌هایی مانند کتاب و نرم‌افزار هم این اجبار وجود ندارد؟
۶- با وجود نظرات صریح مقام معظم رهبری درباره کیپ رایت و همچنین دیدگاه وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی در این زمینه ریشه‌های عمل نکردن و بی‌توجهی به نظرات رهبری، قانون اساسی و دیدگاه مقام عالی‌وزارت ارشاد را می‌یابست در چه عوامل و دلایلی جست‌وجو کرد؟
در پایان لازم است تنها به ذکر این نکته تلخ بسنده کنیم؛ با وجود اصرار مسؤولان سازمان سینمایی مبنی بر اینکه فیلم‌های میجر اصلی‌ترین خانگی است، و سمت و سو دادن آذهان عمومی به این مساله، برابر آمار و تحقیقات به‌عمل آمده ظرف چهار ماه اخیر که از دستور سازمان سینمایی مبنی بر الزام خرید رایت عناوین خارجی گذشته و در کلر آن عدم وجود برنامه‌های مدون و عملیاتی توسعه‌صنعت‌نمایش خانگی از سوی سازمان سینمایی و مدیر کل مربوطه، سهم ۹۰ درصدی سال ۹۱ قاچاقچیان و کیپ‌کاران از بازار نمایش خانگی که ۹۶ درصد در سال ۹۲ و هم‌ایکتب به ۹۷/۵ درصد رسیده و برخی سودجویان نیز با استفاده از همین وضعیت آشفته به سودآوری‌های کلان خود مشغولند و وضعیت نمایش خانگی نیز بحرانی‌ترین روزهای خود را تجربه می‌کند.
اتحادیه شرکت‌های ویدئورسانه (سینمای خانگی ایران) در روزهای آینده بخش‌های دیگری از این واقعیت تلخ را به اطلاع عموم مردم، اهالی رسانه و دستا‌ندر کاران سینمای ایران می‌رساند.

مجید مجیدی خبر داد

آمادگی برای نمایش جهانی فیلم «محمد(ص)» در اسفندماه



مجید مجیدی گفت: پس از اولین نمایش فیلم «محمد(ص)» در ایران، برنامه‌ریزی شده است تا نسخه میکس صدای بین‌المللی آن در اسفندماه برای نمایش‌های جهانی فرستاده شود. به گزارش فارس، مجید مجیدی، کارگردان فیلم سینمایی «محمد(ص)» درباره نمایش این فیلم در جشنواره بیان کرد: اکنون درحال آماده‌سازی نسخه میکس صدا با فرمت‌های فنی منطبق با نمایش برای ایران هستیم. وی ادامه داد: تا روز سه‌شنبه هفتم بهمن‌ماه قرار بود این کار به اتمام برسد اما متأسفانه فرمت نهایی آماده نشد و این نسخه روز شنبه آماده می‌شود. مجیدی درباره نمایش فیلم «محمد(ص)» اظهار کرد: پس از اولین نمایش فیلم محمد(ص) در ایران، برنامه‌ریزی شده است تا نسخه میکس صدای بین‌المللی آن در اسفندماه برای نمایش‌های جهانی آماده شود. کارگردان فیلم سینمایی «محمد(ص)» در پایان گفت: ان‌شاءالله شنبه به تهران می‌آیم و برنامه‌ریزی لازم را برای نمایش فیلم در ایام مبارک دهه فجر انجام می‌دهیم.

رونمایی از فیلم و کتاب بزرگداشت حسین جعفریان در جشنواره فیلم فجر

فیلم و کتاب بزرگداشت حسین جعفریان برای رونمایی در سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر آماده می‌شود. به گزارش تسنیم، حسین جعفریان، مدیر فیلمبرداری باسابقه و پیشگوست سینمای ایران است که جوایز متعددی را از جشنواره بین‌المللی فیلم فجر دریافت کرده است. او مدیریت فیلمبرداری فیلم‌هایی مانند چ، چهارشنبه‌سوری، بوسیدن روی ماه، طلا و مس، زیر پوست شهر، بلوی اردیبهشت، نرگس و... را برعهده داشته است. کتاب «بر بوم شب» اثری است درباره هنر فیلم‌برداری از نگاه حسین جعفریان که در ۲۵۰ صفحه و به همت نادان فاضلی به مرحله چاپ رسیده است. این کتاب در ۷ فصل گردآوری شده است. نادانفصلی همچنین مستندی ۷۵دقیقه‌ای از حسین جعفریان آماده کرده است که در بزرگداشت این مدیر فیلمبرداری در جشنواره فیلم فجر به نمایش می‌آید. فیلمبرداری این مستند کپ هفته به طول انجامیده و انتخاب و دریافت پشت‌صحنه فیلم‌هایی که جعفریان در آنها کار کرده، ۳ هفته زمان برده است. به گفته فاضلی، این فیلم مستند درباره نوع تفکرات حسین جعفریان درباره سینما و ۴۰ سال تلاش وی در این حوزه است.

۱۰ روز از «درنگ» گذشت

حمید نعمت‌الله این روزها مشغول کارگردانی پروژه تاراش با نام «درنگ» است که در قالب ۱۵ فیلم کوتاه ساخته می‌شود. به گزارش مهر، مجموعه فیلم کوتاه «درنگ» به کارگردانی حمید نعمت‌الله و تهیه‌کنندگی محمدرضا شفیعی به سفارش معاونت سیما برای بخش از شبکه‌های مختلف سیما در حال تولید است. فیلمنامه این مجموعه ۱۵ قسمتی را که موضوعات اجتماعی و تربیتی دارد، هادی مقدم‌دوست به رشته تحریر درآورده و هر قسمت از آن حدودا ۵ دقیقه است. تصویربرداری این مجموعه با مضامین اجتماعی و اخلاقی از ۱۰ روز پیش در تهران آغاز شده است و تا پایان سال ادامه خواهد داشت. عوامل اصلی این مجموعه عبارتند از مدیر تصویربرداری: رضا شیخی، تدوین: خاشایار موحدیان، سوادبه سعیدنیا، مدیر تولید: آرش زینال‌خیری، دستیار تهیه‌کننده: سیدهدادی آقایی‌مبیدی، برنامه‌ریز و دستیار یک: سعید بیات، طراح صحنه و لباس: بهنام جعفری، صابردار: علی عدالت‌دوست، طراح گریم: اعظم بیات، عکاس: یامداد نعمت‌الله، فیلمبردار پشت صحنه: پویا خسروی، مجری طرح: موسسه فرهنگی - هنری صفا نعمت‌الله در موسسه فرهنگ

جشنواره فیلم فجر سال گذشته فیلم سینمایی «ارایش‌غلیظ» را داشت که جایزه ویژه هیأت‌دوران به‌خاطر کارگردانی این فیلم به او اختصاص پیدا کرد.

■ ■ ■

«عشق تعطیل نیست»

در شبکه نمایش خانگی

قسمت اول سریال «عشق تعطیل نیست» به کارگردانی بیژن بیرنگ دوشنبه توزیع شد. اولین قسمت از مجموعه ویدئویی «عشق تعطیل نیست» همراه با این دی‌وی‌دی پشت صحنه قسمت اول نیز در دسترس مخاطبان قرار گرفته است. در «عشق تعطیل نیست»، زوج هنری محمدرضا گلزار و مهناز افشار برای اولین بار است که در یک سریال در کنار هم قرار گرفته‌اند. علیرضا حسسه، شهرام حقیقت‌دوست، زانیار خسروی، مهراوه مهین‌ترابی، مانند طهماسبی، بهرام شاه‌محمدلو، حدیث مهرامینی، رضا ناجی و بهوش بخیتاری نیز دیگر بازیگران این سریال هستند. این مجموعه داستان رها (محمدرضا گلزار) و نفس (مهناز افشار) زوجی جوان است که در آستانه هفتمین سالگرد ازدواجشان با اتفاقاتی روبرو می‌شوند که زندگی خود و اطرافیان‌شان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. تاکنون قسمت از این سریال تصویربرداری شده و قرار است از نیمه دوم بهمن‌ماه تصویربرداری قسمت‌های بعدی «عشق تعطیل نیست» از سر گرفته شود.